خبر

ورود نیروهای آمریکایی به کنسولگری چین در هوستون

● تنش سیاسی بین پکن و واشنگتن به مرحله‌ای بی‌سابقه رسیده است. شامگاه جمعه نیروهای فدرال آمریکا با بازکردن در پشتی کنسولگری چین در هوستون، وارد این ساختمان شدند. این اقدام در پی دستور دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا و پس از منقضی‌شدن مهلت تخلیه محل انجام گرفت. به گزارش رویترز، کارکنان کنسولگری قبل از ورود نیروهای فدرال، آنجا را ترک کرده بودند. این خبرگزاری هم‌زمان از همراهی احتمالی «کلیف سیگروز»، مقام ارشد وزارت خارجه آمریکا در عملیات ورود مأموران به کنسولگری گزارش داد.

ایالات متحده، این نمایندگی پکن را به مشارکت در جاسوسی اطلاعات پزشکی مربوط به کرونا و سرقت تحقیقات مربوطه متهم کرده است. مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا کنسولگری چین در هوستون را «کانون جاسوسی و سرقت اسرار» خوانده و گفت است: «نمایندگان چین در امور داخلی آمریکا دخالت می‌کنند و آمریکایی‌های چینی‌تبار را تحت فشار می‌گذارند». پیش‌تر، وزارت دادگستری آمریکا، چین را به تلاش برای هک شرکت‌های دارویی به قصد سرقت اسرار واکسن کرونا متهم کرده بود. دولت چین نیز در اقدامی متقابل، دستور تعطیلی کنسولگری آمریکا در شهر چنگدو را داد. این شهر نزدیک منطقه خودمختار تبت است و از نظر ژئوپلیتیک اهمیتی راهبردی دارد. همچنین پس از ورود نیروهای آمریکایی به کنسولگری چین، دولت پکن نیز بر تعداد نیروهای امنیتی خود در چنگدو افزود. کنسولگری چین در هوستون اولین دفتر نمایندگی‌ای بود که به دنبال برقراری روابط دیپلماتیک میان چین و آمریکا در ۱۹۷۹ شروع به کار کرد. کنسولگری ایالات متحده در چنگدو نیز در سال ۱۹۸۵ افتتاح شد. گفته می‌شود در این کنسولگری حدود ۲۰۰ کارمند کار می‌کنند که ۱۵۰ نفر از آنها بومی هستند. این تحولات فقط در سه روز رخ داده‌اند. وزارت خارجه چین در نخستین واکنش به درخواست آمریکا برای تخلیه کنسولگری هوستون، این اقدام را «تحریک سیاسی» خوانده و به تلافی تهدید کرده بود. از زمان برقراری مناسبات دیپلماتیک بین دو کشور در سال ۱۹۷۹ تاکنون، چنین سطحی از تنش در مناسبات دو کشور مشاهده نشده است؛ تنشی که پس از آغاز به کار دونالد ترامپ با جنگ تجاری و وضع تعرفه‌های گمرکی روی کالاهای وارداتی از چین آغاز شد و پس از آن به اتهام جاسوسی شرکت چینی هواوی از طریق مشارکت در ایجاد شبکه نسل پنجم اینترنت کشید و در ماه‌های گذشته در ارتباط با شیوع ویروس کرونا و موضوع هنگ‌کنگ ابعاد گسترده‌تری یافت.

حریم هوایی شمال فلسطین اشغالی بسته شد

● رسانه‌های اسرائیلی گزارش دادند حریم هوایی شمال فلسطین اشغالی بسته شده و هدف از این اقدام این است که پروازهای غیرنظامی در معرض خطر قرار نگیرد. به گزارش ایسنا، رسانه‌های اسرائیلی اعلام کردند حریم هوایی شمال فلسطین اشغالی در مسافت شش‌کیلومتری از مرزهای جنوبی لبنان، با تدابیر شدید بسته شده است. هواپیمایی نوتام (NOTAM) شب گذشته از تل‌آویو اعلام کرد هدف از بستن حریم هوایی، این است که پروازهای غیرنظامی در معرض خطر قرار نگیرند و مسئله مهم‌تر اینکه مأموریت شناسایی تهدیدهای هوایی در این منطقه تسهیل شود. در همین حال، فرمانده منطقه شمالی در ارتش اسرائیل از آمادگی ارتش این رژیم برای سناریوهای مختلف خبر داده و اعلام کرد ارتش تصمیم به تعدادی از گام‌ها در راستای رویارویی احتمالی با عملیات تلافی‌جویانه حزب‌الله در مرزهای لبنان گرفته است. هم‌زمان روزنامه یدیعوت آحارونوت گزارش داد که در پی حمله هوایی در دمشق که گفته شده از سوی اسرائیل انجام شده است و در آن یک نیروی حزب‌الله جان خود را از دست داد، حزب‌الله احتمالا نیت‌هایی برای دادن پاسخ داشته باشد. دفتر بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل نیز به وزیران این رژیم دستور داده کمتر درباره این حمله «نسبت‌داده‌شده به اسرائیل» اظهارنظر کنند. گزارش‌هایی نیز مطرح شده که نشان می‌دهند به برخی از وزیران کابینه از این حمله و تنش‌های شکل‌گرفته بعد از آن اطلاعی داده نشده است. پیش‌تر نیز رسانه‌های اسرائیلی گزارش داده بودند ارتش اسرائیل روز چهارشنبه رزمایشی را که قرار بود در مرزهای شمالی با لبنان انجام شود، لغو کرد؛ اما رسانه‌ها به این امر اشاره کردند که ارتش اسرائیل حضور خود را در مرزهای با لبنان با یک گردان پیاده‌نظام از هراس عملیات حزب‌الله تقویت کرده است. حزب‌الله روز پنجشنبه پیکر شهید علی کامل محسن را که در پی حملات اسرائیل به اطراف فرودگاه بین‌المللی دمشق جان خود را از دست داد، تشییع کرد. همچنین شبکه خبری المیادین به نقل از سخنگوی ارتش اسرائیل اعلام کرد بالگردهای این رژیم در واکنش به تیراندازی روز جمعه، مواضع ارتش سوریه را در جنوب این کشور هدف قرار دادند. در این حمله، منطقه عین‌التینه در نزدیکی شهرک اشغالی مجدل شمس (بلندی‌های جولان) هدف قرار گرفت.

نقش و نفوذ همسر پمپئو بر تصمیمات وزیر خارجه آمریکا زیر ذره‌بین رسانه‌ها

«سوزان» دستیار مرموز وزارت خارجه

عکس: Getty Images

اخراج یک بازرس فدرال از وزارت خارجه ایالات متحده که در حال تحقیق درباره مایک پمپئو، وزیر خارجه دولت دونالد ترامپ بود، توجه رسانه‌ها را به فردی جلب کرد که با وجود ایفای نقشی پررنگ در این وزارتخانه، هیچ سمتی در دولت ندارد؛ «سوزان پمپئو»، همسر وزیر خارجه آمریکا. شاید اگر شیوع ویروس کرونا و جنجال‌ها و تبعات سیاسی و اقتصادی مربوط به آن نبود، امروز رسانه‌ها و کنگره با دقت بیشتری ذره‌بین خود را بر عملکرد مایک پمپئو در وزارت خارجه آمریکا تنظیم می‌کردند. نمایندگان کنگره می‌گویند این بازرس کل در حال تحقیق روی شکایت‌هایی مبنی‌بر سوءاستفاده مایک پمپئو از یک گماشته سیاسی برای انجام کارهای شخصی او و همسرش بود. یکی از موارد شکایت، سفرهای متعددی بود که مایک پمپئو با هواپیمای دولتی همراه سوزان پمپئو، همسرش رفته که سمتی در دولت ایالات متحده ندارد. نقش سوزان پمپئو اما به این موارد جزئی ختم نمی‌شود. به‌تازگی نشریه پولیتیکو تحقیقی درباره همسر مایک پمپئو انجام داده و به افشاگری درباره نقش او در نقض اصول اخلاقی و کاری و سوءاستفاده از بودجه و اموال دولتی پرداخته است.

براساس تحقیقات و گفت‌وگوهای صورت‌گرفته از سوی پولیتیکو، ماجرای حضور مرموز سوزان پمپئو در کنار مایک به دو سال اخیر و در وزارت خارجه محدود نمی‌شود. تعدادی از نمایندگان کنگره می‌گویند زمانی که مایک پمپئو نماینده کنگره بود، دفتری اختصاصی به همسرش که هیچ سمتی نداشت، اختصاص داده بود. این روند حتی در زمان ریاست پمپئو بر سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) هم ادامه داشت.

ورود سوزان به سیا و آزادی عملی که مایک پمپئو به همسرش در مهم‌ترین آژانس اطلاعاتی داد، مقدمه‌ای بود بر افزایش نفوذ. سوزان، همسر مایک پمپئو در مقر فرماندهی سیا دفتری جداگانه داشت و دستیاری غیررسمی هم همواره در خدمت او بود. دخالت سوزان در اقدامات شوهرش برای تأمین منافع شخصی به اندازه‌ای بود که در زمان انتصاب مایک پمپئو به‌عنوان وزیر خارجه، مقام‌های سیا مکاتبات و تماس‌هایی درباره نقش سوزان در این سازمان و ارائه جزئیات دوره حضور او با وزارت خارجه انجام داده بودند.

دستیار پمپئو

در ماه‌های اخیر و پس از ماجرای اخراج جنجالی بازرس فدرال از وزارت خارجه به دستور ترامپ، فعالیت‌های شخصی و اقتصادی پمپئو و همسرش بیش از گذشته زیر ذره‌بین رسانه‌ها قرار گرفته اما هر دو بارها ادعا کرده‌اند که هیچ سوءاستفاده‌ای از بودجه وزارت خارجه انجام نداده‌اند. پمپئو حتی در پاسخ به مکاتبات نشریه پولیتیکو درباره نقش همسرش در وزارت خارجه، او را «یکی از بهترین دستیاران در وزارت خارجه» خوانده و «دیدگاه‌های جنسیت‌زده و منسوخ» مدیران این نشریه را مورد انتقاد قرار داد. شاید در نگاه اول نقش‌آفرینی همسران ارشدترین دیپلمات آمریکایی در زمان تصدی وزارت خارجه امری غیرمعمول به نظر نرسد اما نگاهی به دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که میزان نفوذ و نقش‌آفرینی سوزان پمپئو در وزارت خارجه آمریکا در دو سال اخیر بی‌سابقه و نگران‌کننده بوده است. «کاندولیزا رایس» وزیر خارجه سابق آمریکا ازدواج نکرده بود. «ترزا»، همسر جان کری، وزیر خارجه سابق این کشور نیز دارای مشکلات سلامتی بود و چندان خود را درگیر مسئولیت‌های همسرش نمی‌کرد. «آلما» همسر «کالین پاول» تقریبا مانند دیگر همسران سیاست‌مداران ارشد نقشی بسیار کم‌رنگ داشت و در مناسبت‌های خاص حضور می‌یافت. تنها شاید بتوان به دوره حضور هیلاری کلینتون در وزارت خارجه آمریکا اشاره کرد که همسرش بیل کلینتون، رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده بود و سعی داشت نقش منشی را برای هیلاری ایفا کند. اما هیچ‌کدام قابل مقایسه با نقش پررنگ سوزان پمپئو در وزارت خارجه نیست.

کلکسیون سوءاستفاده از بودجه

پولیتیکو در تحقیق خود توانسته به اطلاعات و مدارکی درباره اقدامات و نقش سوزان در وزارت خارجه، سیا و کنگره (سه نهادی که مایک پمپئو در آنها حضور داشته) دست پیدا کند. یکی از دستیاران کنگره پمپئو در دوره نمایندگی او در کنگره درباره زیرسؤال‌بردن اصول اخلاقی و سوءاستفاده سوزان پمپئو از پول مالیات‌دهندگان می‌گوید: «روزی که قرار بود هزینه حمل‌ونقل یک بسته شخصی مربوط به سوزان از سوی دفتر پرداخت شود، ایمیلی در اعتراض به این کار غیراخلاقی به او فرستادم. پاسخ او عجیب بود. سوزان نوشت: شما ایمیل با برچسب فوری برای من ارسال می‌کنید که چنین موضوع مضحک و بی‌ارزشی را به من متذکر شوید؟ اینجا تمام کارها باید با استانداردهای حرفه‌ای، کارایی و روحیه بالا انجام شود. باید بیشترین حمایت از نماینده کنگره انجام شود تا او بهتر بتواند به آمریکا خدمت کند».

مشورت در تصمیمات مهم

سوزان در دوره حضور همسرش در سیا در ابتدای ریاست‌جمهوری ترامپ نقشی مؤثر در تشکیل هیئت مشاوران خارجی پمپئو داشت و نفوذ سوزان بر این هیئت باعث شد تا او در تمام سفرهای خارجی همراه مایک باشد و نقش دستیار نزدیک او را ایفا کند و درباره تصمیمات مهم سیاست خارجی با هم مشورت کنند. این اقدام در شرایطی صورت می‌گیرد که سوزان کمترین تخصص و تجربه‌ای در حوزه دیپلماسی و حتی سیاسی ندارد. به نوشته پولیتیکو، تنها در یکی از برنامه‌های انتخاباتی مایک پمپئو در سال ۲۰۱۶ برای نمایندگی کنگره، یکی از دستیاران دولتی در ایالت کانزاس برای مدت زمانی نامعلوم و بدون دستمزد وظیفه نگهداری از سگ سوزان را بر عهده داشت. دستیار دیگر هم به این نشریه گفته است در مدت زمانی که خانواده پمپئو خانه نبودند، وظیفه داشت تا هر روز روزنامه‌ها را داخل منزل آنها ببرد.

همچنین روزهای یکشنبه یک کارمند کنگره مجبور بود تمام‌وقت در خدمت همسر مایک پمپئو باشد تا او کارهای شخصی‌اش را انجام دهد. به گفته این کارمند «از نگاه خانواده پمپئو، مأموران امنیتی و دیپلماتیک چیزی جز راننده اوبر نیستند». بر اساس گزارش پولیتیکو، هزینه‌های هنگفت دکوراسیون دفتر کار سوزان که بر اساس خواسته او باید مطابق دکوراسیون یکی از ثروتمندان ایالت ایلینوی اجرا می‌شد هم از بودجه دولتی پرداخت شد. اقدامات سوزان پمپئو در وزارت خارجه در مقایسه با اقدامات قبلی این خانواده سروصدای بیشتری به پا کرده است. یکی از برنامه‌های سوزان پمپئو که انتقادهای زیادی در میان کارمندان این وزارتخانه برانگیخت، سازماندهی مراسمی بود با عنوان «میهمانی مدیسون». در این ضیافت تعداد زیادی از افراد متمول و بانفوذ واشنگتن به دعوت وزارت خارجه و با بودجه این نهاد به تبلیغ و معرفی برنامه‌های خود و لابی برای انجام پروژه‌های خود می‌پردازند. همسر وزیر خارجه آمریکا همچنین در سپتامبر گذشته و در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل همسران تعدادی از مقام‌های خارجی از جمله مصر، الجزایر و آذربایجان را با بودجه وزارت خارجه آمریکا به ضیافتی دعوت کرد که هزینه غذای هر نفر در این مراسم پرهزینه هزارو ۲۸ دلار بود.

درس‌های آلمان شرقی برای چین

الیزابت براو
ستون‌نویس وال‌استریت ژورنال

چین با سرمایه‌گذاری‌های گسترده خارجی و ابتکار جهانی «کمربند و راه» برای احیای جاده تاریخی ابریشم، دوستان زیادی را دور خود گرد آورده است. در چنین وضعیتی، سیاست‌گذاران غربی با چالش رقابت با کشوری روبه‌رو هستند که جیب‌های بی‌انتهایی دارد، علاقه‌ای به حقوق بشر نشان نمی‌دهد و هیچ ابایی ندارد که با زورگویی و قلدرمآبی، برخی کشورها را به جبهه متحدان خود اضافه کند. با وجود آنکه شیوع ویروس کرونا اقتصادهای بزرگ جهان را تضعیف کرده اما موتور چین غیرقابل توقف به نظر می‌رسد. با این حال، دوستان چین کم‌کم سر به نافرمانی گذاشته‌اند که نمونه آن را هفته گذشته در عقب‌نشینی از اجرای پروژه نسل پنجم اینترنت ارائه‌شده از سوی شرکت هواوی شاهد بودیم. اگر چین بخواهد با ایالات متحده و متحدان بی‌شمارش بر سر ابرقدرتی جهان رقابت کند، باید از تجربه آلمان شرقی درس بگیرد؛ حکومتی که هیچ پول و اعتباری در جهان نداشت، اما با ارائه آموزش‌های مختلف توانست دوستانی در جهان برای خود داشته باشد.

چند سال پیش، زمانی که با گروهی از دوندگان اتیوپیایی دوی مسافت طولانی، در تمرین قبل از طلوع آفتاب در تپه‌های خارج از آدیس‌آبابا، پایتخت اتیوپی، همراه بودم، پروژه‌ای ساختمانی را دیدم که از سوی کارگران ساختمانی چینی ساخته شده بود. آن زمان دیدن چنین چیزهایی باعث تعجب بود، اما امروز چین با اجرای «ابتکار کمربند و جاده»، پروژه‌های متعددی را در مسیرهای این برنامه اجرا کرده یا در حال اجرا دارد.

بر اساس اعلام ناظران شورای روابط خارجی آمریکا که اجرای «ابتکار کمربند و جاده» چین را برای احیای جاده تاریخی ابریشم تحت نظر دارند، بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷، چین وام‌هایی به ارزش بیش از ۱۲۰ میلیارد دلار به کشورهایی می‌دهد که مایل هستند زیرساخت‌های خود را بازسازی یا زیرساخت‌های جدید احداث کنند. این کشورها برای احداث بزرگراه یا ساخت نیروگاه‌ها، بر اساس مفاد قرارداد خود با چین، از شرکت‌های چینی استفاده می‌کنند. این‌گونه بود که چین دوستان جدیدی در سرتاسر جهان به دست آورد و در کشورهایی ردپای چین را می‌بینیم که تا قبل از این، پکن ارتباط خاصی با آنها نداشت و امروز کسب‌وکارها و مشاغل زیادی برای شرکت‌های چینی در این کشورها ایجاد شده است.

در مقابل، کشورهای غربی فرصت‌های زیادی را برای ایجاد چنین دوستی‌هایی از دست داده‌اند. آنها نمی‌توانند مانند چین با دست‌ودلبازی وام بدهند. مهم‌تر از آن، کشورهای غربی نمی‌توانند بدون بررسی دقیق نیت کشور دریافت‌کننده وام و نیز وضعیت حقوق بشر و حاکمیت قانون در آن کشور، چنین وام‌هایی را پرداخت کنند.

به یک مثال اشاره می‌کنیم؛ در حال حاضر ۴۲٫۳ درصد از تولید ناخالص داخلی قرقیزستان را بدهی این کشور به چین تشکیل می‌دهد. این‌گونه است که ابتکار احیای جاده ابریشم و سایر سرمایه‌گذاری‌های چین، باعث تقویت موقعیت پکن و تضعیف غرب شده است.

ایستادگی برابر پکن

اما به نظر نمی‌رسد در دوستی با چین، همه چیز هم خوشایند باشد. وام‌های سنگینی که چین به این کشورها داده، در هر حال باید بازپرداخت شوند و بحران اقتصادی ناشی از کرونا، کشورها را برای بازپرداخت وام با چالش‌هایی جدی مواجه خواهد کرد. برخی کشورها هم به این نکته پی برده‌اند که توسعه زیرساخت‌ها و ساخت‌وساز با دریافت وام، نه‌تنها سودی ندارد، بلکه به ضرر آنها خواهد بود.

دولت پاکستان ماه گذشته اعلام کرد که می‌خواهد درباره بازپرداخت وام‌هایی که در جریان اجرای پروژه «کمربند و جاده» از چین دریافت کرده است، مجددا مذاکره کند. اسلام‌آباد شرکت‌های چینی را متهم کرده که سه میلیارد دلار بر هزینه اجرای پروژه‌های ساختمانی مربوطه افزوده‌اند.

همچنین در ماه ژوئن و یک هفته پس از میزبانی شی جینپینگ، رئیس‌جمهوری چین، در اجلاس چین و آفریقا در پکن، دادگاهی در کنیا اعلام کرد وام ۳٫۲میلیارددلاری چین برای راه‌آهن کنیا که بخشی از آن از سوی یک شرکت چینی اداره می‌شود، غیرقانونی است.

همان‌طور که اکونومیست گزارش می‌دهد، مصر هم ساخت دومین نیروگاه بزرگ زغال‌سنگ در جهان را متوقف کرده است؛ پروژه‌ای که از سوی چین تأمین بودجه می‌شد. در همین حال بنگلادش هم برنامه‌ریزی برای ساخت کارخانه زغال‌سنگ با بودجه چین را متوقف کرده است.

پاکستان از چین خواسته است وام‌های ۳۰میلیارددلاری برای پروژه‌های برقی در این کشور را اصلاح کند. در ماه آوریل، جان مگوفی، رئیس‌جمهور تانزانیا نیز وام ۱۰میلیارددلاری چین برای ساخت بندر بزرگی در باگامویو از سوی یک شرکت چینی را لغو کرد. رئیس‌جمهوری تانزانیا گفته فقط یک مرد مست می‌تواند چنین قراردادی را بپذیرد.

در اواسط ماه جولای، بریتانیا که از مدت‌ها قبل به سرمایه‌گذاری چینی‌ها مشکوک بود، تصمیم خود مبنی بر حضور شرکت هواوی در شبکه 5G خود را لغو کرد. حتی ایتالیا که یکی از مهم‌ترین دوستان چین در اروپا محسوب می‌شود نیز امید چینی‌ها را ناامید کرده است؛ اخیرا رسانه‌های ایتالیایی گزارش داده‌اند که دولت الزامات مربوط به مشارکت در راه‌اندازی نسل پنجم اینترنت را به‌گونه‌ای بازنویسی خواهد کرد که هواوی نتواند در این پروژه مشارکت کند. اگر عبارت «دیپلماسی دام بدهی» را جست‌وجو کنید، مقاله‌ها و گزارش‌های بی‌شمار دیگری هم درباره چین خواهید یافت.

در حال حاضر چین قصد دارد تا حد توانش مجازات‌هایی ازجمله قطع برخی همکاری‌ها را علیه کشورهایی که از زیر بار «دیپلماسی تله وام» شانه خالی می‌کنند، در نظر بگیرد. اما موضوع مهمی که کار چین و این دوستانش را به اینجا رسانده، این است که چین صرفا روابط تجاری ایجاد کرده، اما هیچ دوستی‌ای میان پکن و این کشورها شکل نگرفته است.

به عبارت دیگر، اگر چین می‌خواهد با ایالات متحده رقابت کند، باید از قدرت نرم ایالات متحده هم برخوردار باشد. قدرت نرم آمریکا به واشنگتن کمک کرده تا با طیف گسترده‌ای از کشورها دوستی ایجاد کند، اما چین نقطه‌ضعف مشخصی دارد؛ به اندازه آمریکا جذاب نیست. معدودی از مردم جهان به‌طور داوطلبانه به آهنگ‌های چینی گوش می‌دهند، تلویزیون چینی تماشا می‌کنند، از زبان یا حتی کلمات چینی استفاده می‌کنند، یا مانند چینی‌هایی که در تلویزیون می‌بینند، لباس می‌پوشند.

نمونه آلمان شرقی

وضعیتی که چین با آن روبه‌رو شده است، بی‌سابقه نیست؛ در قرن بیستم نیز حکومت استبدادی و کمونیستی دیگری با چنین مشکلی دست‌وپنجه نرم می‌کرد؛ آلمان شرقی هم مانند چین امروز نیازمند دوستان زیاد بود، اما وجهه و تصویر خوبی در جهان نداشت. آلمان شرقی برخلاف چین حتی پول هم نداشت تا از طریق آن دوستانی گرد خود جمع کند. با وجود اینکه آلمان شرقی کشوری شکست‌خورده و اقتصادی رو به اضمحلال داشت و پلیس مخفی آلمان شرقی هر فرد خارجی را در این کشور کاملا زیرنظر می‌گرفت، اما با یک استراتژی بسیار مؤثرتر به کار خود ادامه داد؛ راهکاری ارزان‌قیمت که دوستی عمیق‌تر و ماندگارتری ایجاد می‌کرد.

دانشجویان دانشگاه‌ها سنگ‌بنای رویکرد آلمان شرقی را شکل می‌دادند؛ بین سال‌های ۱۹۵۱ تا ۱۹۸۹، حدود ۷۸ هزار دانشجو از بیش از ۱۲۵ کشور مدرک دانشگاهی خود را در آلمان شرقی گرفتند.

برخی از این ۱۲۵ کشور، متحدان سوسیالیست آلمان شرقی بودند، اما بسیاری از کشورهای درحال‌توسعه هم بودند که جوانان امیدوار خود را برای دریافت مدرک درجه‌یک دانشگاهی با بودجه حکومت آلمان شرقی، روانه این کشور می‌کردند.

میشل باشله، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد و رئیس‌جمهور سابق شیلی، در دهه ۱۹۷۰ به‌عنوان پناهنده از شیلی تحت حکومت آگوستو پینوشه خارج شد و به تحصیل پزشکی در برلین شرقی ادامه داد. دانشجویان خارجی حتی مقرری ماهانه از سوی حکومت آلمان شرقی نیز دریافت می‌کردند. در واقع، دانشگاه‌های این کشور یک دارایی کلیدی برای دیپلمات‌های آلمان شرقی محسوب می‌شدند. البته این دیپلماسی آموزش هم تنها جنبه مثبت نداشت؛ همان‌طور که چین با «دیپلماسی وام» کشورها را به دام می‌اندازد، آلمان شرقی هم گلچینی از آموزش‌ها را به خارجی‌ها ارائه می‌داد و تمام برنامه‌های آموزشی در دانشگاه‌ها برگزار نمی‌شد. دوستان نزدیک‌تر حکومت آلمان شرقی، در یک شهر کوچک در شمال این کشور، در یک اردوگاه آموزشی با انواع روش‌ها و تکنیک‌های جنگ‌های چریکی آشنا می‌شدند. از نیکاراگوئه، موزامبیک، آنگولا و کنگره ملی آفریقا، شورشیانی برای آموزش به آلمان شرقی می‌آمدند و برخی از آنها در بازگشت به کشورهایشان، شانس زیادی برای حضور در ساختار قدرت داشتند. تردیدی نیست که آموزش‌هایی که در حکومت کمونیستی آلمان شرقی ارائه می‌شد، در جهت تقویت دموکراسی نبود، اما حداقل یک دیدگاه و ایدئولوژی را به دانشجو ارائه می‌داد؛ همان‌طور که ایالات متحده دیدگاه مورد حمایت خود را در برنامه‌های دانشگاهی ارائه می‌دهد. با این حال چین نحوه سرکوب و سانسور را آموزش می‌دهد.

پکن با نگاهی به تجربه‌های مثبت و دانشگاهی آلمان شرقی باید درک کند که نمی‌تواند تحسین دیگران را بخرد و مانند غرب جذاب شود، اما می‌تواند مانند خواهر سوسیالیست و سقوط‌کرده خود، قدری روی قدرت نرم خود کار کند. در غیر این صورت، دور نیست روزی که دیگر رهبران هم مانند رئیس‌جمهور تانزانیا، در برابر چین و خواسته‌هایش ایستادگی کنند.

منبع: فارین‌پالسی

نگاه

موزه رؤیاهای شخصی ما در زمان کرونا

● **سیاوش رزمند:** اینکه یک چینی به این نتیجه برسد که در ووهان سوپ خفاش، پانگولین یا هر چیزی را برای ناهارش سفارش دهد و دنیا را به هم بریزد، در شرایطی است که هر انسان معمولی با دیدن خفاش (به‌جز مجموعه فیلم‌های بتمن کریس نولان) در هر حالتی زهره‌اش زیرورو می‌شود. خب فیلم معرکه «استیون سودربرگ» یعنی «شیوع» را هم کنار بازار غیرانسانی (بازارهای بی‌شمار دیگر به‌طور یقین) ووهان بگذارید که سگ، روباه، گرگ و شاید حداقل صد نوع دیگر از حیوانات وحشی یا اهلی (همچنین خفاش) را می‌فروشند و البته قصابی می‌کنند. این مطلب به‌هیچ‌رو به دنبال ژنوفوبیا (خارجی-دیگرهراسی) نیست بلکه در جهت عکس آن است. هنگامی که پرستاران چینی برای بهبودی بیمارشان از کرونا از شادی با باله «دریاچه قو» به رقص می‌آیند یا کادر پزشکی ایران با نشان‌دادن علامت پیروزی به نبرد این ویروس می‌روند، جایی از نژادپرستی باقی نمی‌ماند؛ حال حتی اگر رهبری مانند رجب طیب اردوغان دو دقیقه پشت اتاق ولادیمیر پوتین معطل بماند اما پناه‌جویان بی‌شمار را به‌عنوان کارت برنده به یونانی سرازیر کند که از قضای روزگار با مشکلات بی‌شمار اقتصادی و دولتی راست‌گرا (مقایسه کنید با دولت دموکراتیک و ائتلاف چپ رادیکال سیریزا به رهبری الکسیس سیپراس و اصلاحات سیاسی و اجتماعی در کنار مدارا با پناه‌جویان) مواجه است. در کنار این قضیه وحشت عمومی از کرونا، افراط‌گرایی وهابی و سلفی‌مسلک و دیگر داستان‌ها در مناطق کمترتوسعه‌یافته یونان (شهرهای مرزی، دورافتاده یا جزایر نزدیک به ترکیه) موجب اضطرابی جمعی در کشوری شده است که حتی مقصد اصلی یا نهایی این پناه‌جویان نیست. ما هنوز در میانه این همه‌گیری هستیم؛ در نیوزیلند یا جمهوری چک. شاید خوشحالی از به‌صفررسیدن مبتلایان امیدبخش باشد اما در دیگر نقاط همچنان وحشت عمومی فراگیر است و هر کشوری در این تلاطم به طناب خود چنگ زده است. اما معادلات را جورج فلوید ۴۶ساله با آخرین جمله پیش از قتلش، «نمی‌توانم نفس بکشم!» تغییر داد و نابرابری‌های سیاسی، نژادی و... را در برابر چشمان مردمان عیان کرد. تمامی این قضایا، سیاست‌های دولت‌ها، مرزهای باز، اتحادیه اروپایی، انتخابات‌ها، فساد سیاسی و اخلاقی رهبران و حتی جنبش‌های سرتاسری علیه نژادپرستی یا بی‌کاری جمعی شهروندان در صورتی که جهان با پدیده کرونا هم‌زیست شود (این همه‌گیری بعید نیست که تا مدت‌ها ماندگار باشد)، جهانی که در پس خود می‌زاید، چگونه خود را بازتعریف خواهد کرد؟ این را ما نمی‌دانیم. «شارلوت براد»، روزنامه‌نگار دوران حکومت رایش سوم و توتالیتاریسم حزب نازی در آلمان دهه‌های ۳۰ و ۴۰ دست به تحقیقی درباره رؤیاهای شهروندان آلمان زد که امروز به لطف شارلوت اسلیوینسکی و پروژه «موزه رؤیاها» نوری بر این جواهر جامعه‌شناختی تابانده شده است. تشویش‌ها، هراس‌ها، سرخوردگی‌های سیاسی، مسائل نژادی، عذاب وجدان فردی و جمعی و بسیاری دیگر از احوالات ناخودآگاه آینه‌ای تمام‌نما از حیات فردی و جمعی مردم آلمان را نمایان می‌کند. اما شاید برای تمامی ما امروز نیز چنین خوانشی از ناخودآگاهمان ضروری باشد؛ آن‌هم هنگامی که خواب شبانه تبدیل به شکنجه‌ای دائمی شده و هیستری جمعی بر تمامی زوایای زندگی روزانه ما سایه افکنده است. در چنین برزخی است که سیاست‌های جهانی تأثیری عریان‌تر از گذشته بر شهروندان کشورهای گوناگون می‌گذارند. اینکه در پس این تغییرات بنیادین ما تبدیل به انسان‌های بهتری خواهیم شد یا این را که مانند اجداد خود پس از جنگ بزرگ (جنگ جهانی اول) و همه‌گیری آنفلوانزای اسپانیایی خود را برای دیگرکشی دیگری به‌مراتب شرم‌بار و خونین‌تر آماده می‌کنیم یا نه، کسی به‌روشنی نمی‌تواند پاسخ دهد.

شاید چندان بیراه نباشد اگر بخواهیم آنچه را بر ما می‌رود، با آلبوم موسیقی بی‌نظیر «کاپیتل» از موسیقی‌دان جوان و الکترو-آمبینت آلمانی یان واگنر که در همین سال آخرالزمانی ۲۰۲۰ عرضه شده است، مقایسه کنیم و در رؤیاهایی که می‌بینیم، خود را در خیابان‌های خالی از سرزندگی و روشنایی پیشین برلین به همراه سگی آرام در گشت و گذری بی‌هدف بیابیم. ممکن هم هست که مانند دیگر موسیقی‌دان آلمانی «نیکلاس پاشبورگ» برای آخرین اثرش قدم به مجمع‌الجزایر قطبی «سوالبار» (متعلق به کشور نروژ) در شمالگان بگذاریم و از درون اصوات خود رؤیای شفق قطبی را بر آسمان بپاشیم.

تک خبر

آمریکا پایگاه «البسمایه» را تحویل داد

● ائتلاف تحت امر آمریکا روز گذشته پایگاه البسمایه در جنوب بغداد را به ارتش عراق تحویل داد. این هفتمین پایگاهی است که در کمتر از شش ماه به عراق تحویل داده شده است. در این پایگاه که در ۳۰کیلومتری جنوب پایتخت واقع است، نیروهای اسپانیایی و پرتغالی حضور داشتند. نیروهای آمریکایی نیز برای حمایت لجستیکی و مداخله سریع در این پایگاه بودند. به گفته منابع، نیروهای آمریکایی که از این پایگاه خارج می‌شوند، هرگز عراق را ترک نخواهند کرد.